یادداشت

آن متغیرهای بنیادین!

وحید عظیم‌نیا
دبیر گروه اقتصادی

روز گذشته در گزارشی مهم با عنوان ««تثبیت» یا «آزادسازی» عملیات فریب بازار ارز است» به بررسی معضلات بازار ارز پرداختیم و تأکید کردیم که سیاست‌های تکراری تثبیت یا آزادسازی نرخ ارز، راه‌حل مشکلات ارزی نیست، بلکه به مثابه عملیاتی فریبکارانه برای سرپوش گذاشتن بر ریشه‌های اصلی بحران عمل می‌کند.

در این گزارش، دو محور کلیدی را به‌عنوان مشکلات بنیادین بازار ارز کشور شناسایی کردیم؛ نخست، وابستگی بیش از ۸۰درصدی تجارت خارجی کشورمان به درهم امارات با نظارت خزانه‌داری امریکا که باعث شده است سیاست‌های ارزی کشورمان تحت تأثیر عوامل خارجی باشد و هیچ تلاش جدی‌ای برای کاهش این وابستگی صورت نگیرد.

دوم، خلق پول بی‌ضابطه از سوی بانک‌های خصوصی که با رشد نقدینگی و ایجاد تقاضای کاذب، به جهش‌های ارزی و بی‌ثباتی بازار دامن می‌زند. تأکید کردیم که بدون اصلاح سیاست‌های تجارت خارجی مبتنی بر تراز تجاری صفر و تطابق نقشه تجاری همگن و همچنین کنترل خلق پول در نظام بانکی، هرگونه سیاست ارزی محکوم به شکست است.

حالا رحیم زارع، سخنگوی کمیسیون تلفیق بودجه ۱۴۰۴ نیز در اظهاراتی تأیید کرده است که «افزایش نرخ ارز ریشه در متغیرهای بنیادین اقتصادی دارد»، بنابراین مشکل بازار ارز نه در تثبیت یا آزادسازی نرخ‌ها، بلکه در ساختارهای بنیادین اقتصاد و سیاست‌های ناکارآمد تجارت خارجی نهفته است، اما چرا بازار ارز سال‌هاست در چرخه‌ای معیوب گرفتار شده است و چرا سیاست‌های تثبیت و آزادسازی، هر دو، به شکست انجامیده‌اند؟ در شش‌ماهه دوم سال ۱۴۰۳، دولت چهاردهم به سمت آزادسازی نرخ ارز حرکت کرد، اما این سیاست به کاهش شدید قدرت خرید مردم و گرانی در بازارها منجر شد. در شش‌ماهه اول ۱۴۰۴، بانک مرکزی سیاست تثبیت را در پیش گرفت، اما نتیجه چه بود؟ قیمت ارز در بازار آزاد به ۱۱۵هزار تومان رسید، در حالی که نرخ رسمی برای کالاهای وارداتی روی ۶۹هزار تومان ثابت مانده بود.

این شکاف نشان می‌دهد نه آزادسازی و نه تثبیت نتوانست بازار را آرام کند، بنابراین دوگانه تثبیت یا آزادسازی، راه به جایی نمی‌برد. مشکل اصلی در ساختار تجارت خارجی و نظام خلق پول است. تجارت خارجی کشورمان به درهم امارات یعنی ارزی که تحت نظارت خزانه‌داری امریکا قرار دارد، وابسته است! این وابستگی، اقتصاد کشورمان را در برابر فشارهای خارجی شکننده کرده است.

ناهماهنگی در نقشه تجاری، منابع ارزی را هدر می‌دهد و وابستگی به درهم را تشدید می‌کند. راه‌حل این معضل این است باید به سمتی برویم که از همان کشورهایی وارد کنیم که به آنها صادرات داریم. تراز تجاری نزدیک به صفر با شرکای تجاری، اصلی بدیهی در اقتصاد کلان است که در ایران اجرا نمی‌شود.

دولت باید نقشه تجاری همگن را طراحی و اجرا کند. همکاری‌های منطقه‌ای در چارچوب بریکس و پیمان‌های پولی دوجانبه یا چندجانبه نیز می‌تواند وابستگی به درهم را کاهش دهد و دست ایران را در سیاستگذاری ارزی بازتر کند.

در سوی دیگر، نظام بانکی کشور به موتور تولید بحران تبدیل شده است. بانک‌های خصوصی با خلق پول بی‌ضابطه، نقدینگی را به دست گروه‌های خاصی می‌رسانند که با خرید ارز، تقاضای کاذب ایجاد می‌کنند. این تقاضا، همراه با انتظارات تورمی، بازار ارز را از کنترل خارج می‌کند. رشد نقدینگی بدون پشتوانه تولید واقعی، به جهش‌های ارزی دامن زده و بار تورم را بر دوش مردم انداخته است. بانک‌های خصوصی به جای حمایت از بخش‌های مولد، منابع را به سمت سوداگری هدایت می‌کنند.

برای برون‌رفت از این وضعیت، باید قدرت خلق پول به حاکمیت بازگردد. بانک‌های خصوصی نمی‌توانند و نباید اجازه داشته باشند نقدینگی را بدون نظارت افزایش دهند، زیرا این فرایند مستقیماً به بی‌ثباتی ارزی منجر می‌شود. یک راهکار عملی، ایجاد نظام پرداخت دوم یا «رینگ دوم» است که در آن حساب‌های واحد برای اشخاص حقیقی و حقوقی نزد بانک مرکزی ایجاد می‌شود. این نظام می‌تواند سیاست‌های پولی هدفمند، مانند ارائه تسهیلات قرض‌الحسنه صفر درصد برای تولید و افزایش قدرت خرید مردم را بدون اثر تورمی اجرا کند.

این تسهیلات به دلیل بازپرداخت مشخص و عدم تبدیل به سپرده بانکی به رشد نقدینگی دامن نمی‌زنند، همچنین افزایش ذخیره قانونی بانک‌ها می‌تواند تقاضای کاذب ارز را مهار و اثرات انتظارات تورمی را خنثی کند.

اظهارات زارع درباره ایجاد بازار ارز تجاری نیز نکته‌ای قابل تأمل است. این بازار می‌تواند با حذف نرخ‌های دستوری و افزایش شفافیت به کارایی بیشتر بازار ارز کمک کند، اما این اقدام به‌تنهایی کافی نیست. بدون اصلاح ساختار تجارت خارجی و مهار خلق پول، بازار ارز تجاری نیز در نهایت به سرنوشت سامانه نیما دچار خواهد شد.

بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و سایر دستگاه‌های مرتبط باید با برنامه‌ریزی دقیق از پراکندگی سیاست‌ها جلوگیری و منابع ارزی را به درستی مدیریت کنند.

باید این حقیقت را بپذیریم که تثبیت یا آزادسازی نرخ ارز، دو لبه یک شمشیرند که هر دو به یک اندازه ناکارآمدند. مشکل واقعی در متغیرهای بنیادین اقتصادی است. تا زمانی که این مسائل حل نشوند، چرخه معیوب نوسانات ارزی ادامه خواهد داشت و مردم، قربانی اصلی این سیاست‌های نادرست خواهند بود.

دولت به جای تکرار سیاست‌های شکست‌خورده، باید به اصلاح ساختارهای بنیادین اقتصاد بپردازد. مجلس شورای اسلامی، به‌عنوان نهاد قانونگذار و ناظر، نمی‌تواند از انتقادات در امان بماند. ریل‌گذاری صحیح برای سیاست‌های اقتصادی، از وظایف اصلی مجلس است، اما این ریل‌گذاری بدون نظارت مؤثر، ناقص می‌ماند. قانون برنامه هفتم توسعه اختیارات گسترده‌ای به بانک مرکزی داده، اما واگذاری اختیار بدون نظارت دقیق، به معنای شانه خالی کردن از مسئولیت است. مجلس باید با جدیت پیگیری کند که چرا وابستگی ۸۰درصدی تجارت خارجی به درهم امارات ادامه دارد؟ چرا نقشه تجاری همگن اجرا نمی‌شود؟ چرا خلق پول بی‌ضابطه بانک‌های خصوصی مهار نشده است؟ این سؤالات، پاسخ‌های روشن می‌طلبد.

نظارت مجلس نباید به گزارش‌های دوره‌ای یا جلسات تشریفاتی محدود شود و باید در برابر وظایفش پاسخگو باشد، به‌ویژه در مواردی که سیاست‌هایش به بی‌ثباتی بازار ارز منجر شده است. برای مثال، وقتی سیاست تثبیت نرخ ارز در شش‌ماهه اول ۱۴۰۴ شکست خورد و شکاف بین نرخ رسمی و بازار آزاد به ۴۶ هزار تومان رسید، مجلس کجا بود؟ نظارت فعالانه می‌توانست با فشار بر بانک مرکزی جلوی این ناکارآمدی را بگیرد. مجلس همچنین باید دستگاه‌های مرتبط مانند وزارت اقتصاد را برای تسریع در بازگشت ارزهای صادراتی تحت فشار قرار دهد. هماهنگی بین این نهادها بدون نظارت قاطع مجلس ممکن نیست. اگر مجلس با ابزارهای نظارتی خود، از جمله کمیسیون اصل ۹۰، عملکرد بانک مرکزی را رصد کند، می‌تواند دولت را به سمت اصلاحات ساختاری مانند کاهش وابستگی به درهم، اجرای پیمان‌های پولی دوجانبه و کنترل خلق پول هدایت کند. بدون این نظارت، سیاست‌های نادرست ادامه می‌یابد و مردم تاوان آن را می‌پردازند.

گزارش یک

هادی اسماعیلی

قانون جدید بانک مرکزی، این بانک را مسئول ارز و تورم در کشور می‌داند

باب‌همایون یا میرداماد، ریشه مشکل ارز کجاست؟

برای مهار تلاطم ارزی، بانک مرکزی باید هم بر خلق پول و هم بر مسیر تجارت خارجی نظارت کامل داشته باشد

اظهارنظر وزیر اقتصاد پیرامون مسئولیت مستقیم بانک مرکزی در وضعیت ارز و سیاست‌های پولی کشور طبق قانون جدید بانک مرکزی صحیح است چراکه همه اختیارات به رئیس کل بانک مرکزی انتقال یافته است. در زمینه خوانش غلط برخی تثبیت‌گرایان به صحبت‌های وزیر نیز علم و تجربه یک سده اخیر اقتصادهای دنیا و حتی اقتصاد ایران ثابت کرده تورم یک پدیده کاملاً پولی است و برای کنترل بازار ارز کشور نیز باید توأمان هم سیاست پولی منضبط داشت و هم سیاست تجارت خارجی کشور را از شر درهم خلاص کرد.

محمدمهدی صافی | جوان

وزیر اقتصاد هفته گذشته از مسئولیت کنترل تورم و نرخ ارز با بانک مرکزی سخن گفت و این موضوعی شد که دوباره جبهه تثبیت‌گرا و خواهان تثبیت اقتصادی و تثبیت ارز و تثبیت همه چیز، حرف وی را به غلط به موضوع صحیح دیگری نسبت دهند که آن مسئله وابستگی تورم به سیاست‌های پولی کشور است.

در بخش ابتدایی باید گزاره اصلی صحبت‌های وزیر جوان اقتصاد را بررسی کرد. طبق مصوبه و قانون جدید بانک مرکزی که در آذر ماه ۱۴۰۲ به تصویب مجلس و ابلاغ از سوی دولت رسید، همه اختیارات حوزه سیاست‌های پولی و ارزی کشور در اختیار رئیس کل بانک مرکزی قرار گرفت تا رئیس کل بانک مرکزی مسئولیت کامل وضعیت پولی و ارزی کشور را برعهده بگیرد. این گزاره وزیر اقتصاد به موجب قانون مصوب‌شده، کاملاً صحیح است. به موجب همین قانون در روزهای پایانی و پیش از شهادت شهید رئیسی نیز مجلس با دعوت از وزیر اقتصاد دولت شهید رئیسی و رئیس کل بانک مرکزی دولت قبلی و دولت فعلی، اظهار داشت که وضعیت بازار ارز با وجود انتقال تمامی اختیارات به رئیس کل بانک مرکزی مناسب نیست.

رئیس مجلس در اردیبهشت ۱۴۰۳ نیز با تکیه بر همین قانون جدید بانک مرکزی به انتقاد از عملکرد رئیس کل بانک مرکزی پرداخت و گفت: همه اختیارها را به رئیس کل بانک مرکزی دادیم، اما هنوز در سیاست ارزی دچار مشکل هستیم. قالیباف خطاب به مسئولان اقتصادی حاضر در نشست گفت: رویکرد اقتصادی‌مان در حوزه مدیریتی را اعلام کردیم و تا روز یک‌شنبه هفته آینده برای دریافت برنامه دولت منتظر می‌مانیم، اما اگر برنامه و سیاست ارزی دولت ارائه نشود، مجلس جلسه خواهد گذاشت و طرح خود را ارائه می‌کند، بنابراین با توجه به قانون جدید بانک مرکزی و تفویض اختیارات کامل سیاست‌های پولی و ارزی کشور به بانک مرکزی، هیچ شخصی جز رئیس کل بانک مرکزی پاسخگوی وضعیت خلق پول شبکه بانکی، رشد نقدینگی و همچنین سیاست‌های ارزی و قیمت ارز در بازار آزاد نیست و اعلام این نکته از سوی وزیر اقتصاد که مسئولیت تورم و قیمت ارز با بانک‌مرکزی است و نه وزارت اقتصاد، گزاره‌ای صحیح است، اما برخی از تثبیت‌گرایان به اشتباه این جمله وزیر را به پای این تئوری قرار دادند که تورم یک سیاست پولی است و نسبت به آن انتقاد کردند، ولی آیا تورم در هر نقطه از دنیا از جمله ایران، به غیر از سیاست‌های پولی، به عوامل دیگری نیز وابسته است؟ جواب در بازه زمانی مدنظر گوینده است. طبق علم اقتصاد در هر کجای دنیا، تورم همواره، همیشه و بدون هیچ شکی در بلندمدت یک متغیر پولی است و به هیچ وجه غیر از این عامل، اثرگذاری عوامل دیگر بر تورم قابل اثبات نیست ولی در کوتاه‌مدت عواملی نظیر افزایش قیمت نهاده‌های تولید یا ارز در بازارهای غیررسمی بر تورم اثرگذار است اما همین عوامل کوتاه‌مدت در نبود ولنگاری سیاست پولی و عدم‌افزایش نقدینگی، به منطقه ابتدایی خود بازخواهد گشت ولی در صورت تداوم سیاست انبساطی در کنار افزایش قیمت ارز، قطعاً تورم افزایش خواهد یافت، بنابراین همین فرض اثرگذاری کوتاه‌مدت نیز در بلندمدت اثرگذار نیست و با یک سیاست پولی صحیح، به راحتی «دمپ» خواهد شد و از بین خواهد رفت.

برخی با اشاره به سیاست کنترل ترازنامه، آن را یک سیاست پولی مناسب می‌دانند که نتوانست افزایش قیمت ارز و همچنین تورم را کنترل کند، در حالی که سیاست کنترل ترازنامه با وجود موفقیت‌هایی در کنترل خلق پول کلی در اقتصاد، نتوانست خلق پول دولتی و بانک‌های خصوصی و زیرمجموعه‌هایش را متوقف کند و حتی با رشد چشمگیر اضافه‌برداشت بانک‌های ناتراز، خلق پول غیرمولد و زیان‌آور حتی تشدید شد، بنابراین سیاست کنترل ترازنامه به هیچ وجه نتوانست کنترل مناسبی بر خلق پول شبکه بانکی داشته باشد و صرفاً دسترسی مردم به منابع بانکی را سخت‌تر کرد، در حالی که منابع بانکی در اختیار دولتی‌ها، خصولتی‌ها و زیرمجموعه‌های شبکه بانکی برای امور غیرمولد و بعضاً با رویکرد تأمین هزینه‌های جاری دولت جایگزین استقراض مستقیم از بانک مرکزی شد و همان اثری که در زمان استقراض مستقیم به دلیل کسری بودجه در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ دیدیم، در سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۴ نیز دنبال شد و کنترل تورمی شکل نگرفت.

در مسئله قیمت ارز نیز به هیچ وجه من‌الوجوهی مسئله تثبیت قیمت ارز یا آزادسازی آن مطرح نیست و صرفاً این مباحث زمانی عنوان می‌شود که بانک مرکزی منابع ارزی خود را در زمان تثبیت نرخ ارز از بین برده است و وقتی منابع ارزی خالی شد، حالا باید تثبیت را به اجبار کنار گذاشت و به سمت آزادسازی رفت و اصلاً مسئله قیمت ارز ناشی از سیاست‌های تثبیت یا آزادسازی نیست و به مسئله‌ای بسیار مهم‌تر در اقتصاد بازمی‌گردد. در شش ماهه اخیر قیمت ارز واردات، روی ۷۰هزار تومان تثبیت شد ولی در عوض به جای کاهش قیمت ارز، ارز در بازار غیررسمی به ۱۱۵هزار تومان نیز رسید و نشان داد که تثبیت قیمت ارز صرف نیز جوابگو نیست و مسئله ارز را باید در جای دیگر و با سیاست‌های دیگری اصلاح کرد.

جهش نرخ ارز در صورت نبودن عوامل داخلی فعال در زمینه سیاست‌های پولی درون بانکی غلط به هیچ‌وجه به این شکل اتفاق نمی‌افتاد و قطعاً در صورت کنترل بیشتر بانک مرکزی بر پرداخت تسهیلات به خودی‌ها از سوی شبکه بانکی و همچنین نظارت صحیح بر هزینه کرد بودجه شرکت‌های دولتی و خصولتی و ولنگار در اقتصاد کشور، جهش نرخ ارز نیز به شکل موج تورمی اتفاق نمی‌افتاد، همچنین مسئله مهم وابستگی کشور در تجارت خارجی به یک ارز خاص زیرنظر خزانه‌داری امریکا نیز در زمینه فشار حداکثری به کشور و افزایش قیمت ارز هم مؤثر است.

وابستگی تجارت خارجی و بازار ارز غیررسمی کشور به درهم و نبود نظارت بر خلق پول شبکه بانکی و مصرف بودجه شرکت‌های دولتی و دستگاه‌های اجرایی عامل اصلی حال و روزهای بد بازار ارز کشور است.

وابستگی تجارت خارجی به درهم موجب شده است کشور با مشکلات فراوانی روبه‌رو شود که این وابستگی هم در بعد اثرگذاری در بازار ارز ایران مشکلات جدی ایجاد و هم به قرارگیری تجارت خارجی ایران زیرنظر وزارت خزانه‌داری امریکا و تحت نظر بودن تجارت خارجی ایران منجر شده است.

باید به جای وابستگی بیش از حد به درهم در تجارت خارجی، با توسعه پیمان‌های پولی دوجانبه یا چندجانبه و همچنین تطبیق نقشه تجاری کشور به معنای تطابق مقاصد صادراتی با مبادی وارداتی و حرکت به سمت تراز تجاری صفر، تجارت خارجی کشور را از رصد خزانه‌داری امریکا و بازار ارز کشور را از فشارهای غرب بر سر راه تجارت خارجی آزاد کنیم.

برای کنترل تقاضای ارز نیز سیاست هدفمند، کنترل خلق پول شبکه بانکی و نظارت کامل بر تراکنش‌های درون بانکی شرکت‌های دولتی، غیردولتی و همچنین همه زیرمجموعه‌های نظام بانکی است، زیرا اصلی‌ترین تقاضاکنندگان ارز در بازار نه مردم عادی بلکه برخی افراد و شرکت‌های خاص هستند که دسترسی کامل به خلق پول شبکه بانکی و بانک‌های خصوصی دارند و در زمان ایجاد انتظارات تورمی از طریق اقدامات خارجی، شروع به تقاضای کلان ارز در بازار غیررسمی می‌کنند و به این ترتیب کاملاً آگاهانه بازار را به سمت تلاطمات قیمتی و فشار تقاضا می‌برند و باعث گرانی ارز خواهند شد، بنابراین برای کنترل بازار ارز و اثرگذاری سیاستگذاری ارز، بانک مرکزی در وهله اول باید با خارج کردن وابستگی کشور در حوزه تجارت خارجی به درهم و ایجاد نظام پولی دوجانبه یا چندجانبه فشار تقاضا تجار را کاهش دهد و برای تقاضاهای کاذب شرکت‌های دولتی، غیردولتی و زیرمجموعه نظام بانکی نیز بر تراکنش‌های درون بانکی و تسهیلات اعطایی بانک‌ها نظارت جدی داشته باشد تا با برخورد با این شرکت‌ها تقاضای کاذب و فشار تقاضای سفته‌بازی داخلی را از بین ببرد و به این ترتیب بازار ارز را از تلاطمات قیمتی نجات دهد، بنابراین اظهارنظر وزیر اقتصاد پیرامون مسئولیت مستقیم بانک مرکزی در وضعیت ارز و سیاست‌های پولی کشور طبق قانون جدید بانک مرکزی، صحیح است و همه اختیارات به رئیس کل بانک مرکزی انتقال یافته است.

در زمینه خوانش غلط برخی تثبیت‌گرایان به صحبت‌های وزیر نیز علم و تجربه یک سده اخیر اقتصادهای دنیا و حتی اقتصاد ایران ثابت کرده تورم یک پدیده کاملاً پولی است و برای کنترل بازار ارز کشور نیز باید توأمان هم سیاست پولی منضبط داشت و هم سیاست تجارت خارجی کشور را از شر درهم خلاص کرد. حالا بهتر می‌توان متوجه شد ریشه مشکلات ارز در باب همایون(وزارت اقتصاد) یا میرداماد(بانک مرکزی) است.

گزارش ۲

بهناز قاسمی

گنج جدید انرژی ایران کشف شد

وزیر نفت از کشف ذخایر بزرگ گازی و نفتی در میدان «پازن» در جنوب استان فارس خبر داد. این میدان با ذخیره ۱۰تریلیون فوت‌مکعب گاز و دست‌کم ۲۰۰میلیون بشکه نفت خام، نویدبخش تحولی بزرگ در جبران ناترازی انرژی و تقویت جایگاه کشورمان به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر هیدروکربوری جهان است. این دستاورد، حاصل تلاش‌های بی‌وقفه متخصصان ایرانی در حوزه اکتشاف، بار دیگر توانمندی‌های فنی کشور را به رخ جهانیان کشید.

محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت روز دوشنبه از کشف ذخایر عظیم گازی و نفتی در میدان «پازن» خبر داد؛ کشفی که به گفته او، می‌تواند نقشی کلیدی در جبران ناترازی انرژی کشور ایفا کند. این میدان که در جنوب استان فارس و در نزدیکی شهر جم استان بوشهر واقع شده است، با ذخیره‌ای بالغ بر ۱۰تریلیون فوت‌مکعب گاز و حداقل ۲۰۰میلیون بشکه نفت خام، یکی از مهم‌ترین اکتشافات دهه‌های اخیر صنعت نفت و گاز ایران به شمار می‌رود.

وزیر نفت با بیان اینکه خدا را شاکرم که امروز می‌توانم خبر خوب ذخایر جدید گاز و نفت را به مردم شریف و عزیزمان اعلام کنم، اظهار کرد: «بر اساس اقدام‌های انجام‌شده در حوزه اکتشاف میدان پازن در ناحیه جنوبی استان فارس و در امتداد شمال استان بوشهر ذخایر جدید کشف شده است.»

احیای اکتشافات پس از ۸ سال وقفه

میدان پازن که در فاصله ۲۱کیلومتری شهر جم قرار دارد، سال‌ها در انتظار توجه و سرمایه‌گذاری بود. به گفته پاک‌نژاد، فعالیت‌های اکتشافی در این میدان پس از حدود هشت سال توقف، بار دیگر از سر گرفته شد. او توضیح داد: «پس از توقف حدود هشت ساله فعالیت‌های اکتشافی در این میدان، عملیات اکتشاف روی چاه دوم دوباره از سر گرفته شد، به‌طوری که حفاری چاه دوم اکتشافی چندی پیش به پایان رسید و بر اساس آزمایش‌های انجام‌شده روی این چاه، به این دستاورد قابل توجه دست یافته‌ایم.»

این احیای فعالیت‌های اکتشافی، نتیجه تلاش‌های بی‌وقفه متخصصان ایرانی است که با تکیه بر دانش بومی و فناوری‌های پیشرفته، موفق شدند لایه‌های جدیدی از ذخایر هیدروکربوری را شناسایی کنند. این دستاورد نه‌تنها از منظر اقتصادی، بلکه از دیدگاه سیاسی و استراتژیک نیز اهمیت بسزایی دارد، چراکه ایران را در جایگاه محکم‌تری در بازار جهانی انرژی قرار می‌دهد.

ابعاد عظیم ذخایر پازن

برای درک بهتر حجم عظیم ذخایر کشف‌شده، وزیر نفت تصویری روشن ارائه کرد: «برای اینکه بتوانیم تصور و تجسم درستی از حجم بزرگ ذخایر کشف‌شده در میدان گازی و نفتی پازن به دست بیاوریم، باید بگویم این میدان ۱۰تریلیون فوت‌مکعب ذخایر گاز جدید دارد که اگر ضریب بازیافت ۷۰درصد را در میدان‌های گازی کشور لحاظ کنیم، به عدد برداشت ۷هزار میلیارد فوت‌مکعب می‌رسیم که معادل ۷هزار روز تولید یک فاز پارس جنوبی است که حدود ۱۷ تا ۱۸ سال تولید یک فاز پارس جنوبی گاز دارد، از این رو عدد قابل‌ملاحظه‌ای است.»

این مقایسه نشان‌دهنده اهمیت راهبردی میدان پازن است. میدان گازی پارس جنوبی، به‌عنوان بزرگ‌ترین میدان گازی جهان سال‌هاست ستون فقرات تأمین انرژی کشورمان را تشکیل می‌دهد. حال، کشف میدانی که توانایی تولید معادل نزدیک به دو دهه از یک فاز پارس جنوبی را دارد، می‌تواند گامی بلند در جهت خودکفایی انرژی و کاهش وابستگی به منابع خارجی باشد، اما این تنها گاز نیست که پازن را خاص کرده است. وزیر نفت در ادامه از کشف لایه‌ای نفتی در این میدان خبر داد که دست‌کم ۲۰۰میلیون بشکه نفت خام را در خود جای داده است. او افزود: «برای نخستین‌بار، در ادامه عملیات اکتشافی، همکارانم در مدیریت اکتشاف شرکت ملی نفت ایران در عملیات حفاری وارد لایه‌ای افقی شده‌اند که دست‌کم ۲۰۰میلیون بشکه نفت خام در خود جای داده است، بدیهی است با مطالعات تکمیلی که در ادامه عملیات اکتشاف انجام می‌شود، احتمال دستیابی به حجم‌های بالاتری از ذخایر نیز وجود دارد.» این کشف، پازن را به میدانی چندمنظوره تبدیل کرده است که هم در حوزه گاز و هم در حوزه نفت می‌تواند نقشی کلیدی ایفا کند.

توسعه سریع میدان

کشف ذخایر تنها آغاز راه است؛ توسعه و بهره‌برداری از این منابع نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و سرمایه‌گذاری کلان است. خوشبختانه به گفته وزیر نفت، گام‌های اولیه برای توسعه میدان پازن برداشته شده است. پاک‌نژاد اعلام کرد: «قرارداد توسعه میدان گازی و نفتی پازن واگذار شده است و به‌زودی شاهد آغاز عملیات اجرایی آن خواهیم بود. برآورد می‌شود طی حدود ۴۰ماه آینده، امکان برداشت از این میدان فراهم شود.» این بازه زمانی ۴۰ماهه، نشان‌دهنده عزم جدی دولت برای تسریع در بهره‌برداری از این میدان است.

با توجه به ناترازی انرژی که در سال‌های اخیر به یکی از چالش‌های اصلی کشورمان تبدیل شده است، توسعه سریع میدان پازن می‌تواند به‌عنوان یک راه‌حل بلندمدت، فشار بر منابع موجود را کاهش دهد و به تأمین پایدار انرژی برای مصارف داخلی و حتی صادرات کمک کند.

اهمیت راهبردی برای ایران و جهان

کشورمان به‌عنوان دومین دارنده ذخایر گازی جهان با این کشف جدید جایگاه خود را بیش از پیش تثبیت می‌کند.

پاک‌نژاد با اشاره به این موضوع تأکید کرد: «جمهوری اسلامی ایران دومین دارنده ذخایر گاز دنیاست و اضافه‌شدن این ذخایر می‌تواند کمک خوبی به پوشش ناترازی‌های موجود در سال‌های آتی کند که دستاورد عظیمی است و جا دارد همین‌جا از همه همکارانم که در این حوزه فعالیت کردند، تشکر و این دستاورد را به مردم ایران تقدیم کنم.» این کشف در شرایطی اعلام می‌شود که جهان با نوسانات شدید در بازار انرژی مواجه است. از یک سو، تحریم‌های تحمیلی تلاش کرده‌اند توانایی ایران در بهره‌برداری از منابع خود را محدود کنند و از سوی دیگر، تقاضای جهانی برای انرژی‌های فسیلی همچنان رو به افزایش است.

در چنین شرایطی، کشف میدان پازن نه‌تنها یک دستاورد اقتصادی محسوب می‌شود بلکه نشانه‌ای از ظرفیت عظیم کشورمان در حوزه اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی است.

خبر

شناسایی ۵۹۴ مؤدی مشکوک به پولشویی

رئیس مرکز بازرسی، مبارزه با فرار مالیاتی و پولشویی از وصول بیش از ۱۱هزار میلیارد تومان مالیات و جرایم از محل کتمان درآمد موضوع ماده (۱۹۲) قانون مالیات‌های مستقیم در شش ماهه نخست سال جاری خبر داد.

به گزارش رسانه مالیاتی ایران، شاهین مستوفی، رئیس مرکز بازرسی، مبارزه با فرار مالیاتی و پولشویی سازمان امور مالیاتی کشور با بیان اینکه در شش ماهه نخست سال جاری ۴۴۶ مورد بازرسی مالیاتی صورت گرفته است، اظهار داشت: در راستای بررسی اسناد و مدارک به دست آمده از بازرسی مالیاتی موضوع ماده (۱۸۱) قانون مالیات‌های مستقیم، بیش از ۴هزارو ۲۰۰ برگ تشخیص مالیاتی به مبلغ بیش از ۳۵هزار میلیارد ریال و ۲هزارو ۱۰۰ برگ قطعی به مبلغ بیش از ۲۰هزار میلیارد ریال صادر شده است.

رئیس مرکز بازرسی، مبارزه با فرار مالیاتی و پولشویی با اشاره به اینکه در بازه زمانی فوق، حدود ۱۰هزارو ۹۰۰ گزارش مردمی در حوزه فرار مالیاتی دریافت شده است، گفت: در این راستا بیش از ۳هزار بازدید میدانی از محل فعالیت اشخاص مشکوک گزارش شده به عمل آمده که به شناسایی ۶۳۵ فرد فاقد پرونده مالیاتی منجر شده و ۶۲۷ مورد از گزارش‌ها نیز در مرحله درخواست استعلام تراکنش بانکی قرار گرفته است. مستوفی خاطرنشان کرد: در راستای مبارزه با پولشویی و مطابق بررسی گزارش‌های موارد مشکوک، اطلاعات ۵۹۴ مؤدی در شش ماهه ابتدایی سال جاری به مرکز اطلاعات مالی ارسال شد.

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی (دو مرحله ای) شماره ۴۰۴/۷۷

شرکت تولید نیروی برق کرمان
(سهامی عام)

شرکت تولید نیروی برق کرمان (به عنوان دستگاه مناقصه گزار) در نظر دارد مناقصه "بازسازی پره های ثابت و متحرک توربین های گازی V94.2 نیروگاه سیکل ترکیبی شهید سپهبد سلیمانی کرمان" را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکتها از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

- تاریخ انتشار اسناد مناقصه در سامانه: ساعت ۱۴ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۵
- آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه: ساعت ۱۴ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۹
- آخرین مهلت بارگذاری اسناد مناقصه و پاکتهای پیشنهادی: تا ساعت ۱۴ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۹
- آخرین مهلت ارسال اصل پاکت الف: تا ساعت ۱۴ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۹
- زمان و محل بازگشایی پاکات مناقصه: ساعت ۸ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۳۰
- کرمان، بلوار جمهوری اسلامی، خیابان امام جمعه، کوچه شماره ۱۶، پلاک ۳۶، شرکت تولید نیروی برق کرمان
- محل تحویل پاکات مناقصه: کرمان، بلوار جمهوری اسلامی، خیابان امام جمعه، کوچه شماره ۱۶، پلاک ۳۶، واحد تدارکات شرکت تولید نیروی برق کرمان
- مبلغ و نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: مبلغ ۲۷،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (بیست و هفت میلیارد و پانصد میلیون ریال) می باشد، که می بایست به صورت ضمانتنامه معتبر بانکی یا رسید واریز نقدی به حساب شماره ۴۰۰۱۱۳۰۳۰۶۳۷۸۳۳۸ نزد بانک مرکزی به نام تمرکز وجوه سپرده شرکت تولید نیروی برق کرمان نزد خزانه ارائه گردد.
- به پیشنهادهایی که فاقد امضاء، مشروط و مخدوش بوده و همچنین به پیشنهاداتی که بعد از انقضاء مدت مقرر در فراخوان واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- به پیشنهاداتی که فاقد سپرده، سپرده های مخدوش، سپرده های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن باشند، ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه درج است.

شناسه آگهی: ۲۰۱۸۹۹۵